

این یادداشت کوتاه را سال گذشته به خواست مجله کرگدن نوشته و منتشر کردم که چندان دید و خوانده نشد. با بالاتر گرفته شدن ماجرای سال کوروش و تبعات آن، به نظر آمد که باز نشر آن با کمی تغییر و ویرایش، شاید کمکی به بهبود این وضع بکند:

مسئله علاقه و تمسک به افتخارات و شخصیت‌های باستانی و گذشته دوردست، نه موضوع جدیدی در ایران است و نه صرفاً تجربه‌ای مختص کشور ما. با این همه به نظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر، به خصوص در یک دهه اخیر، این موضوع ابعاد، دامنه و عمق اجتماعی، تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی جدیدی به خود گرفته و بخشی از کشمکش‌های مختلف روزمره موجود رسانه‌ای، در میان ایرانیان داخل و خارج از کشور شده است.

در چند سال اخیر، مسئله هفتم آبان و جشن سالگرد مجازی تولد کوروش، بنیان‌گذار سلسله هخامنشی و تجمع در کنار مقبره کوروش، به تدریج به یک کارزار سیاسی برای نشان دادن گذشته درخشان یا عرض اندام مخالفان وضع موجود تبدیل شده است. از طرفی هم به زعم عده ای دیگر، به یک چالش و خطر امنیتی بدل شده که عده‌ای برای تضعیف نظام و ارزش‌های دینی به راه انداخته‌اند و هزاران نفر نیز دانسته یا نادانسته در این جریان درگیر شده‌اند که باید با آن مقابله شود و دست کم و حتی‌المقدور آن را کنترل و محدود کرد.

در میان این معرکه، چیزی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نظرهای عمیق و دقیق کارشناسانه از هر دو جهت یا جهت بی‌طرف، در مقابل اظهارنظرهای عوام یا حتی نخبگان غیرکارشناس در فضاهای مجازی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی دیجیتالی است. چیزی که این روزها در صفحات مجازی له و علیه روز کوروش و گردهمایی پاسارگاد مشاهده می‌شود، جریانی نه چندان جدید، ولی نمونه‌ای دارای ابعادی متفاوت و دگرگون نسبت به دستکم دو سده باستان‌گرایی در میان ایرانیان است.

علاقمندان طرح واقعی یا اغراق آمیز آموزه‌های باستان‌گرایانه و مطرح کردن نام و یاد کوروش دارای انگیزه‌ها و اهداف یکسانی نیستند. برای بسیاری از این افراد، کوروش هخامنشی، نماد حیثیت مورد قبول واقع شده جهانی تمدن و امپراتوری از دست رفته ایران است. برای عده‌ای دیگر نیز کوروش و جشن سالروز قراردادی تولد پادشاه هخامنشی، مجالی است برای ابراز نارضایتی و همراهی با جریان‌ها و شبکه‌های مخالف نظام در اعلام مخالفت با وضع موجود سیاسی و دینی.

برای این دسته که بعضاً فاقد بینش و دیدگاه عمیق و گسترده تاریخی هم هستند، ایران باستان، امپراتوری هخامنشی و عصر حکومت کوروش، دورانی بوده خالی از انتقاد، سراسر افتخار و بری از اشتباه و ظلم و نابرابری که باید تلاش کرد تا این دوران موعود را جانشین وضع موجود سراپا اشکال و انتقاد کرد. این دو روش در ادوار مختلف تاریخ ایران، دستکم در چند دوره مشخص نمود و بروز داشته است. مثلاً میتوان به نمونه‌های مشابهی در سال‌های پس از جنگ‌های ایران و روس و

عقد معاهده‌های گلستان و ترکمانچای، سالهای پس از معاهده پاریس و جدایی هرات از ایران، سال‌های پیرامون انقلاب مشروطه اشاره کرد که با دلایل مختلفی چنین جریان‌هایی مطرح می‌شدند.

تقریباً از ابتدای دوران جدید پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی در آذر ۱۳۰۴، به تدریج مسئله باستانگرایی و توجه به ایران باستان، جزو برنامه‌های سامان یافته و نهادینه شده دربار، دولت و دیگر ارکان مختلف حکومتی قرار گرفت.

در سال‌های اخیر، جریان‌های رسانه‌های فارسی زبان و غیرفارسی منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تلاش بسیاری برای سیاسی کردن این تحولات کرده‌اند. جالب این جاست که در شرایطی که بخشی از تبلیغات باستان‌گرایانه و کوروش ستایانه به شدت ضدعربی است، برخی رسانه‌های ضدایرانی عربی و یا مورد حنایت اعراب نیز بی توجه به این جنبه، با شوق و ذوق ویژه‌ای به تشویق این کنش‌ها و جشن‌ها می‌پردازند. در این میان البته اندیشمندان و محققان بسیاری نیز بوده و هستند که فارغ از جریان‌ها و سیاست‌گذاری‌های رسمی و حکومتی، به اهمیت علمی، تاریخی و تمدنی ادوار مختلف ایران باستان و حکومت‌های ایران باستان و شخص کوروش توجه داشته و طرح چنین ادوار تاریخی و موضوعات پژوهشی از سوی آنان، لزوماً دارای انگیزه تبلیغی، دینی، سیاسی و فرهنگی نبوده است.

از سوی دیگر، در اردوی مخالفان، برجسته‌سازی امپراتوری‌های ایران باستان و نقش کوروش هخامنشی نیز وحدت کاملی وجود ندارد. برای برخی از آنان، مسئله دین ستیزی برخی جریان‌های حامی و مبلغ طرح و برجسته‌سازی ارزش‌های باستان‌گرایانه مورد توجه است و جریان کوروش ستایی موجود را نمادی از تلاش برای دین زدایی و اسلام ستیزی می‌دانند. از نظر این عده، سرخ همه تحقیقات ایران باستان و دوران هخامنشی و به خصوص شخص کوروش، در دست محققان یهودی و لابی حکومت اسرائیل و حامیان آنان است. این سوءظن تا جایی پیش رفته که در برخوردی اغراق‌آمیز و بعضاً غیرعلمی همه تحقیقات مرتبط با ایران باستان به مستشرقان استعماری خارجی، به خصوص یهودیان و دل‌بستگان به سیاست‌های یهودی یا صهیونیستی نسبت داده شده و بدون توجه به سابقه بیش از سیصد ساله مطالعات ایران باستان، ادعا شده که اساساً این نوع تحقیقات، صرفاً با انگیزه‌های سیاسی بوده و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شروع شده است.

در این میان جریانی نیز وجود دارد که البته جدید نیست، ولی به تدریج و به کندی در حال پیشرفت است. برای این عده، هیچ مغایرت جدی میان ارزش‌های از دست رفته ایران باستان و ارزش‌های واقعی کوروش با تلاش برای کمک به بهبود تدریجی و عمیق و مسالمت جویانه و مشفقانه وضع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور وجود ندارد و حتی می‌توان ارزش‌های اصیل دینی اسلامی با آموزه‌های انسانی و بشردوستانه کوروش آشتی برقرار و پیوند ایجاد کرد. در سالیان گذشته نیز تلاش‌های متعددی برای چنین پیوندی وجود داشته است. برای نمونه می‌توان به تحقیق ابوالکلام آزاد، نویسنده و سیاستمدار مسلمان و رییس جمهور سابق هند در انطباق شخصیت ناشناخته ذوالقرنین در قرآن کریم با کوروش هخامنشی اشاره کرد. پژوهشی که بعدها با همت محققانی چون، عبدالرحمان سیف آزاد، محمد ابراهیم باستانی پاریزی و سعید نفیسی به زبان فارسی در ایران نیز منتشر و منعکس شد.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که نه اقدام کسانی که می‌خواهند ایران باستان و کوروش هخامنشی را به ابزاری در جهت کارزار تبلیغاتی و سیاسی ضدحکومتی به کار بگیرند و نه اقدام کسانی که می‌خواهند بزرگداشت کوروش و ایران باستان را روشی ضدامنیتی قلمداد و با آن مقابله کنند به جایی نرسیده است. در این وضعیت اقدام هوشمندانه، شاید این باشد که دو طرف اصرار بر دشمنی ورزیدن طرف مقابل با خود نداشته و موضوعی که می‌تواند به همبستگی و وفاق ملی و ترمیم و بازسازی چهره و وجه ایران در جهان منجر شود را به یک رویارویی امنیتی و چالش مبدل نکنند. در این شرایط پیچیده، نه هیچ کدام از دو طرف دعوا، با طیف‌های مختلف آنان، زورشان به هم می‌رسد و نه اساساً امکان برتری هیچ یک از آنان، با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی کشور وجود دارد. در این وضعیت بن‌بست گونه، اگر این تقابل نهایتاً به نوعی تفاهم تبدیل شود، یک بازی برد برد و مسالمت جویانه رقم خواهد خورد. در غیر این صورت، تنها برنده واقعی چنین تقابلی غیرضروری، اتحاد بدخواهان منطقه‌ای و بین‌المللی سیاسی، تبلیغاتی و رسانه‌ای ضدايران و منافع ايران خواهد بود.